

بخش دوم

تجزیه و تحلیل مصاحبه رادیو صدای ایران با اعلیحضرت

امیرفیض حقوقدان

سه شنبه (بهرام شید) ۲۶ مرداد - ۲۵۴۹

۱۷ آگوست ۲۰۱۰

در تحریر قبل بخش یکم مصاحبه رادیو صدای ایران با اعلیحضرت که در رابطه با جنبش سبز بود تجزیه و تحلیل گردید. اکنون به بخش دیگری از همان مصاحبه که بنظر می رسد از اهمیت خاصی برخوردار است می پردازیم ولی از آنجا که مسئله حمله نظامی آمریکا به ایران موضوعی است که مبتلابه گفتگو های سیاسی روز است لذا بهتر است قبل از نقد سنوال آقای میبیدی و پاسخ اعلیحضرت که در باره حمله آمریکا به ایران است، توضیحی که ممکن است روزی مورد استفاده وطن پرستان ایرانی قرار گیرد با استحضار رسانده شود.

توجهی لازم:

انسان ها بطور کلی برای هر عملی چه اخلاقی و چه خلاف قانون که می خواهند مرتکب شوند، سعی می کنند که قبل از دست زدن به آن اقدام، مستمسک و بهانه ای برای این عمل فراهم کنند تا در مقابل استیضاح و یا اتهام و تعقیب راه مفری داشته باشند و با توسل به آن بهانه بار اتهام را از دوش خود بیاندازند.

قاعده ای که عرض شد، در عمومیت آن حرفی نیست وحتا داستان «گرگ و میش و بهانه گیری گرگ برای خوردن میش» هم یاد آور قدمت حضور بهانه است در تصمیمات انسان ها.

به بهانه قصد هرکاری ممکن به سبب جد در مسبب ها ممکن

قاعده بالا که به رعایت اختصار در این تحریر «قاعده بهانه» می نامیم در روابط بین کشور ها کاملا استوار و مورد عمل است. کشور ها برای مداخله در امور کشور های دیگر، برای تحمیل شرایط و خواسته های خودشان و یا برای پیشبرد مقاصد خودشان بوسیله جنگ و امثال آنها همانطوری که ستادهای عملیاتی به تدارک نظامی میپردازند رکن اطلاعاتی ستاد هم تلاش می کند که دلایل لزوم و توجیه جنگ را فراهم کند که هم کشور در مقابل اعتراضات جوامع بین المللی و افکار عمومی مردم کشور جوابگو باشد و هم بودجه عملیات جنگی به دلیل مستمسک و بهانه به تصویب برسد.

اشاره به چند نمونه بجاست:

جنگ بین الملل اول به بهانه ترور ولیعهد اتریش آغاز شد و جنگ جهانی دوم به بهانه نیاز به سرزمین.

در حمله آمریکا به عراق به گزارشات احمد چلبی وگروهش در باره مسلح بودن عراق به سلاح های هسته ای و گزارشات دستگاه های دیگری که خود دولت آمریکا در تهیه آنها دست داشت، بهانه و مستمسک شد که آمریکا توانست با توسل به آنها از بار اتهامات خود بمناسبت نقض حقوق بین الملل بکاهد.

در سال (۱۹۷۳) ۲۵۱۲ دولت شاهنشاهی ایران به مناسبت تقاضای سلطان قابوس برای تامین امنیت وارد ظفار شد و به همین دلیل حضور نظامی ایران ایجاد دغدغه های جهانی را ننمود.

هم امروز که ۱۲ اوت سال ۲۰۱۰ است رییس ستاد ارتش عراق گفت «خروج نیرو های آمریکایی از عراق یک اشتباه است ما تا (ده) ۱۰ سال دیگر قادر به تامین امنیت عراق نیستیم» جالب اینجاست که رییس ستاد عراق این اظهارات را دو روز بعد از اظهارات علی دباغ سخنگوی دولت عراق که گفته بود پس از پایان سال ۲۰۱۱ حتی یک نظامی آمریکا حق ندارد در خاک عراق باقی بماند و پس از اظهارات حساب شده رییس ستاد ارتش عراق بود که روزنامه نیویورک تایمز نوشت «برخی از مقامات عراقی معتقدند ادامه حضور نیرو های آمریکا در عراق به نفع هر دو طرف است»

ملاحظه فرمودید که چگونه بهانه و مستمسک برای توجیه ادامه حضور آمریکا در عراق فراهم می شود، و رییس ستاد ارتش عراق است که خواهان ادامه حضور آمریکا می شود و این بهانه آنقدر محکم است که هم دهان ناسیونالیست های عراق را می بندد و هم تجاوز آمریکا به عراق را یک عمل انسانی به حساب می آورد و هم راه را برای پیشبرد اهداف آمریکا که تسلط بر عراق و ایجاد پایگاه های نظامی است فراهم می سازد (وقتی اهالی خانه ای یک غریبه را به خانه دعوت می کنند چه ایرادی بر میهمان هست!)

آمریکا و بهانه جنگ با ایران:

نا خشنودی آمریکا از رژیم جمهوری اسلامی فقط از این باب است که حاکمان بر ایران از عوامل وابسته به انگلستان هستند و اساس و برنامه شورش ۵۷ (۱۹۷۹) برای بیرون انداختن آمریکایی ها از ایران بود که با موفقیت این کار را انجام دادند و حالیه هم تمام بهانه های اتمی و حقوق بشر در رابطه با جبران آن شکست و بازگشت به ایران است.

پارسونز گفته است: «یک دختر خانمی بمن گفت اگر آمریکایی ها مانند ورزشکاران شکست خودشان را از انگلستان در ایران قبول میکردند اینهمه مشکلات بوجود نمیامد».

آمریکا در کنار آن بهانه های اصلی سخت در مقام جمع آوری تمسکاتی است که بتواند به مداخلات خود چه بصورت سیاسی و چه نظامی وجهه بین المللی بدهد و بهترین و محکم ترین دلیل جامعه پسند همین است که ایرانیان از آمریکا بخواهند که در امور کشورشان دخالت کند و یا برای برقراری حقوق بشر دست به عملیات نظامی بزند.

تقاضای از دولت آمریکا حمایت از مخالفان تاسرحد تحریمات اقتصادی و جنگ بخشی از همان بهانه هایی است که آمریکا نقش اساسی در حرکت آن دارد.

از باب نمونه وقتی رییس رادیوی صدای ایران (مروتی) گفت: روزانه ده هزار نفر در ایران بوسیله رژیم کشته می شوند مطمئنا حمله نظامی آمریکا به ایران تلفات کمتری خواهد داشت» و یا آنجا که روزنامه های فارسی لس آنجلس مینویسند که نود درصد مردم ایران منتظرند که از سربازان آمریکایی استقبال کنند و به آنها جاومکان بدهند و یا روزنامه صبح ایران نوشت: «هرکس با حمله نظامی آمریکا به ایران مخالف است سرش به آخور جمهوری اسلامی وصل است»^۱

اینها و نظایر آن که متأسفانه بسیار، بسیار است مداخله آمریکا در امور داخلی ایران و حتا جنگ آن کشور را با ایران توجیه می کند. درست است که منشور سازمان ملل متحد ضوابط خاصی دارد که به کشور اجازه نادیده گرفتن آنها را

^۱ - لازم است عکس العمل مردم ژاپن و به ویژه بانوان ژاپن را پس از سقوط بمب اتمی در دو نقطه ژاپن و ورود مک آرتور ژنرال آمریکایی به همراه سربازان آمریکایی به این کشور شکست خورده را با خواسته یک عده بیگانه پرست بنام ایرانی را مقایسه کنید. مردم و به ویژه زنان ژاپن تعهد کردند هرگز تن به فحشا و خواری در مقابل سربازان آمریکایی ندهند و بهمین دلیل در مقایسه دیده می شود پس از جنگ کره در کره جنوبی تعداد زنان فاحشه بی اندازه زیاد می شود و در سرتاسر ژاپن فاحشه به معنای تن فروش وجود ندارد. گرچه این اواخر جوانان ژاپنی گرایش هایی به زندگی آمریکایی پیدا کرده اند ولی هرگز سنت های ملی و ارزش های ملی ژاپنی را فدای استقبال از یک متجاوز نکرده اند. ژاپن در خاور دور نمونه است در ویتنام، فیلیپین، وحتا تایلند فحشا به دست و پا خواست سربازان آمریکایی به حدی بالا است که نمیتوانند از آن جلوگیری کنند. درحالیکه ژاپن هنوز اجازه دخالت در امور خود را نمی دهد. ح-ک

نمی دهد ولی فرق است بین موردی که گروهی از مردم کشور، از کشور دیگری تقاضای دخالت وقشون کشی بکنند تا کشوری که خودسرانه علیه کشور دیگری دست به اقدامات مزبور بزند.

مقدمه فوق بدین سبب لازم آمد که به اتفاق به پرسش زیر برسیم:

«آیا میتوان اثر دعوت ایرانیان را به مداخله در امور ایران با حمایت آنان از حمله نظامی

به ایران را خنثی و بی اعتبار ساخت؟؟»

آری:

نظربه اینکه مدیران و نویسندگان روزنامه ها که آمریکا را دعوت به مداخله در امور ایران و یا حمله نظامی به ایران می کنند تابعیت آمریکا را دارند و از نظر حقوق سیاسی تابع کشور آمریکا هستند نه ایران، لذا ارزش و اعتبار مقالات و دعوت آمریکا به جنگ با ایران در همان حدی است که یک آمریکایی خواستار جنگ کشورش با کشور دیگری گردد. استناد به خواست عده ای از ایرانیان مقیم خارج در مداخله به امور ایران و یا جنگ با ایران از نظر حقوق سیاسی همان اعتبار را دارد که مدعی برای اثبات ادعای خودش به ادعای خودش استناد کند. ایرانیان مقیم آمریکا به وفاداری و حفظ منافع آمریکا سوگند یاد کرده اند یعنی در تضاد و برخورد منافع آمریکا با ایران آنها موظفند که منافع آمریکا را مقدم بدانند بنابراین موقعیت آنان از نظر حقوق سیاسی «تابعیت» طوری است که حق مداخله در امور سیاسی داخلی ایران از آنها سلب گردیده است.^۲

انسان برای استفاده از حقوق مدنی باید اهلیت داشته باشد یعنی عاقل ورشید و بالغ باشد ولی برای استفاده از حقوق اجتماعی تنها اهلیت مدنی کافی نیست بلکه باید حقوق اجتماعی او ساقط نشده باشد، سقوط حقوق اجتماعی اشخاص به دو طریق ممکن است یکی به موجب حکم دادگاه در مورد محکومیت و دیگری قبول تابعیت کشور دیگر.

این شلنگ تخته هایی که این حضرات در مورد حمله نظامی آمریکا به ایران می اندازند و یا جلسه در واشنگتن با جدایی طلبان به ریاست منوچهر گنجی تشکیل می دهند ایرانی نیستند که این فضولی هارا می کنند.

غره مشو که حق عمومی به نفع ماست:

آنچه عرض شد برداشت حقوقی است و آن بدان معنی نیست که ما خودرا به آن موازین دلخوش کنیم.

دنیای امروز دنیای حق نیست. اگر در گذشته روابط سیاسی کشور ها براساس زور بود امروز زیر سایه سازمان ملل متحد دنیای نفوذ است نه دنیای حق. یارگیری آمریکا برای مشارکت هرچه بیشتر کشور هادر جنگ عراق و افغانستان برای پیروزی در جبهه نفوذ جهانی است.

دیدید که سازمان ملل و شورای امنیت آن قطعنامه ای را تصویب کرد که انکار هالوکاست را جرم شناخت، قطعنامه ای که دقیقاً خلاف اصل آزادی بیان و عقیده است. دیدید که چه راحت و سریع آن قطعنامه تصویب شد و چه راحت هر محقق هر قدر مشهور در کشور های اروپایی همینکه دهان در باره حقیقت هالوکاست باز کرد به زندان رفت که تازه ترین آنها

^۲ - یک تبعه آمریکا طبق قانون اساسی و قوانین مدنی دیگر آمریکا در صورت دخالت در امور کشور دیگر و یا ایجاد تحریکات برای براندازی و توطئه در کشور دیگری مجرم شناخته می شود. ح-ک

«فرانسوا ونسان» پژوهشگر فرانسوی است که در همین ماه اوت به یکسال حبس و ۱۰ هزار یورو خسارت به یک موسسه اسرائیلی محکوم شد.

خانم «هان توماس» ۸۹ ساله آمریکایی قدیمی ترین خبرنگار کاخ سفید و بعدا خبرنگار یونایتدپرس بعلت اینکه گفته بود (اسرائیلی ها بروند گمشوند به آلمان و لهستان، از آمریکا بروند) یعنی همان اظهار نظری که ماکسیم رودنسون در کتاب اسرائیل و اعراب در سال ۱۳۳۶ کرده بود و احمدی نژاد از او اقتباس نمود (!) ناچار به عذر خواهی و برای همیشه از کارش کناره گیری کرد.

خبرنگار مسیحی سی ان ان، لبنانی الاصل بعلت اینکه در دفتر یادبود محمد حسین فضل الله دوسه جمله ای خوب نوشته بود از سی ان ان اخراج شد.

این نمونه ها بدین جهت به شهادت آورده شد که قبول کنیم دنیای امروز دنیای حق و عدالت نیست و دنیای نفوذ است و پول. یک اسرائیلی بنام «بنی موریس» در کتابش نوشته که اسرائیل برای تصویب قطعنامه هایی که برایش ارزش حیاتی دارد به پرداخت رشوه تن میدهد و او از باب مثال نوشته است که نماینده کاستاریکا ۴۵ هزار دلار برای تصویب قطعنامه رشوه گرفت.

هشیاری کلید مشکل زدایی است:

رسالت ایرانی بودن حفظ استقلال و تمامیت ارضی و شرافت ایرانی است این رسالت حکم می کند که هر نوع دخالت در امور ایران اعم از سیاسی و یا نظامی را از سوی بیگانگان محکوم و با آن مقابله کنیم البته که در این راستا تفاوتی بین یک خارجی و یک خارجی که سابقا اهل ایران بوده است حقا و قانونا وجود ندارد.

کما اینکه قانون مجازات ایران شاهنشاهی وحتا همین قانون مجازات رژیم غاصب تفاوتی بین اهل و تبعه ایران و تبعه خارجه در ایجاد استعداد نظامی و سیاسی علیه ایران نگذاشته است.

اما سؤال هدف دار میبیدی:

«الان بیش از هر زمان دیگر صحبت جنگ است، حتا کسانی که در جناح چپ بودند اکنون به جناح باز ها پیوسته اند و صحبت از جنگ می کنند نظر شما چیست.»

پاسخ اعلیحضرت را به اتفاق در تحریر بعدی دنبال می کنیم.